

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# طرح تربیت اقتصادی کوشش

بهترین تابستان کلاس هفتمی ها!!

جهت طرح پرسش مرتبط با طرح تماس بگیرید:

۰۹۳۶۳۷۳۷۷۲۵

امیر امانی پور

## مقدمه

«جذب، تثبیت و رشد» اینها سه مرحله تربیت هستند. اما هر کدام دنیای از معنا را در خود دارد. در ضرورت طی این مسیر تربیتی شکی نیست اما در مقام عمل انتخاب مجموعه ها بر حسب توانایی و امکانات فرق می کند. در مساجد، پایگاهها، هیئات، تشکل ها و ... مشترکاتی وجود دارد و برای «تربیت» از روش های معروف و متداول استفاده می شود.

مثلاً مجلس خوب هیئت خود به خود جذب، تثبیت و رشد را در خود دارد. یا برای جذب از روش متداول اردوی جذب استفاده می شود و ...

هر چند تنوع کار فرهنگی بسیار زیاد است؛ منتها بعضی روشها شهرت دارد و بعضی روشها کمتر استفاده می شود.

در این نوشته قصد داریم یک قالب کار جدید و ابتکاری برای طی مراحل تربیتی «جذب، تثبیت و رشد» را ارائه کنیم.

قالب ها مثل یک ابزار هستند که هم می توانند خوب استفاده شوند و هم بد. مثل چاقو، ماهواره، هیئت، مسجد و ...

قطعا روشی که این طرح در صدد معرفی آن است از این قاعده مستثنا نیست که در عین راهگشا بودن؛ اگر بد اجرا شود و مسائل ریز تربیتی در آن لحاظ نشود می تواند یک سم مهلک باشد.

در تالیف و تنظیم این طرح سعی کردیم محاسن و ایرادهای دیگر را لحاظ کنیم تا در اجرای آن از مزایای هیئت و مسجد و پایگاه و مدرسه و ... استفاده کنیم و در عین حال سعی کنیم از ورود ایرادهای متداول در این قالب جلوگیری کنیم.

۱. قالب هیئت با محوریت مراسم های مذهبی و دینی شکل گرفته و اصالت را به همان مراسم ها می دهد.

۲. قالب بسیج با محوریت مسائل نظامی

۳. قالب صالحین با رویکرد تربیتی

۴. قالب باشگاه فرهنگی ورزشی با تاکید بر ورزش

۵. قالب گروه جهادی با محوریت محرومیت زدایی

۶. و سایر قالب ها که هر کدام با نگاه تخصصی به یک مسئله خاص رشد کرده اند.

در این بین فضای معنوی و مقدس مسجد بهترین بستر برای جمع بین قالب ها و رسیدگی به معضلات و نیازهای مختلف مادی و معنوی است.

در این قالب پیشنهادی قصد داریم بر مسئله اقتصاد اسلامی تاکید کنیم اما نه به معنای نفی اهمیت هیئت، بسیج، گروه جهادی و ...

اگر موضوع هر قالب را یک ضلع از یک شکل هندسی زیبا و منسجم بدانیم، قطعا در این هندسه جای اقتصاد خالی است.

معیشت و زیست مادی بشر بر محور اقتصاد می چرخد و این ضلع روی تمام بشر سایه افکنده و بخش وسیعی از تعالیم اسلام به این موضوع مهم می پردازد. از طرفی مفهوم اقتصاد هم خیلی وسیع است و قصد نداریم از نو رشته دانشگاهی اقتصاد را تالیف کنیم لیکن قصد داریم سراغ قسمت شیرین و جذاب آن برویم.

ما در تربیون های خود مردم را با مفاهیمی مثل اشتغال زایی، تعهد شغلی، کسب حلال، تولید و... آشنا می کنیم اما آموزش های ما اکثراً صبغه تئوری، شعاری و غیر عملی دارد. ما نوجوانان را با مشاغل آشنا می کنیم ولی لذت شغل ها را به آنها نمی چشانیم.

لذت شغل ها بر اثر عوامل مختلفی شکل می گیرد. و یکی از لذیذترین قطعه هر شغل زمانی است که به درآمد و رزق آن می رسیم.

هم اکنون در کشورهای بسیاری مشاغل مختلف را برای کودکان و نوجوانان شبیه سازی می کنند. چیزی شبیه طرح همیار پلیس که نوعی تمرین شغل پلیس است برای سایر مشاغل از جمله پزشکی، آتش نشانی و... طراحی کرده اند. حتی گاهی وسعت کار به حدی جلو رفته که یک مشاغل یک شهر را یک جا برای آموزش و تجربه نوجوانان گرد آورده اند. و حتی پول غیر واقعی و مخصوص محیط آموزشی تهیه کرده اند.

در مدارس فنی حرفه ای تا حدودی به مسئله کار عملی توجه شده.

روش های آموزش عملی بسیار جذاب است و مخاطب را درگیر می کند. افرادی که با این روش ها آموزش می بینند در کار خود اعتماد به نفس و کیفیت بیشتری دارند.

و ما قصد داریم این جذابیت ها را در خدمت مقاصد تربیتی قرار دهیم.

یکی از مهم ترین معضلاتی که تربی ما را در آینده تهدید می کند مشکلات شغلی است. ممکن است بعضی متریبان از خدمت سربازی معاف باشند اما هیچ کدام از تربی های ما از داشتن شغل و درآمد و تشکیل خانواده معاف نیستند؛ همانطور که از نماز، روزه، خمس، زکات و سایر فروع دین معاف نیستند. منتهی در تشکیلات فرهنگی برای چند قلم از اینها خدمات معنوی ارائه می کنیم. مثلاً سعی می کنیم تربی نماز خوان و مسجدی باشد اما فکر و ایده ای برای مهارت های تربی نداریم. خصوصاً در موضوع اقتصاد.

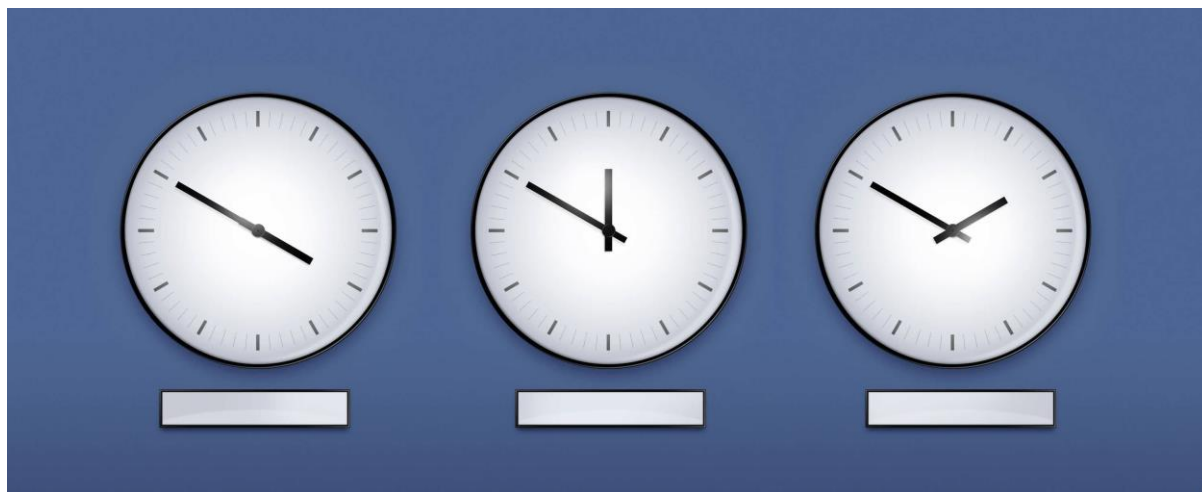
معیشت باعث می شود خیلی ها مهاجرت کنند و بعد از سال ها حضور در مسجد و هیئت راه جدید معیشت را انتخاب کنند و از راه قبل جدا شوند؛ انگار نه انگار که دینی که توصیه به مسجد کرده کسب حلال را جهاد در راه خدا دانسته.

اگر تدبیری برای معیشت مخاطبین مجموعه نکنیم معنایش این است که در حال معرفی اسلام ناقص در برنامه های فرهنگی، مذهبی و مناسبتی هستیم.

۱. در طرح تربیت اقتصادی کوشش به هر متری فرصت راه اندازی یک شغل تولیدی پاره وقت می دهیم. مثلا اگر ۲۵ متری داشته باشیم به هر یک زمینی ۲۰ متری می دهیم. و در این قطعه زمین امکانات لازم برای راه اندازی یک تولید را فراهم می کنیم. متری با آموزش های عملی که از مسئول طرح می بیند فعالیت خود را راه می اندازد تا به مرحله تولید برسد. بعدها با فروش محصول دسترنج خود ان شا الله به سود هم می رسد.



۲. مربی برای نگهداری محصول ناچار است، هر روز دو یا سه بار سرکار بیاید و در هر مرتبه به نظافت، تغذیه و برداشت محصول می پردازد. و موظف است که تمام این کارها را به تنهایی انجام دهد و حق ندارد از خانواده کمک بگیرد. این قانون برای نظم متری و مسئولیت پذیری او وضع شده.



۳. متربی مجاز است که طرح را به مسئول طرح بفروشد یا به مستقیما به بازار عرضه کند. و مسئول طرح موظف است به قیمتی منصفانه خرید کند.



۴. متربی مالک سرمایه و سود طرح است. این قانون وضع شده تا متربی بتواند از عهده مخارج برنامه بر بیاید. وی قرار است هزینه واقعی و تمام شده کلاس ها، اردو ها، تفریح ها و ... خود را تقبل کند. بسیاری از متربی ها به دلیل مشکلات مالی محترمانه و آبرومندانه از شرکت در اردو و ... طفره می روند. منتهی با حل مشکل مالی انتظار داریم مانع اصلی اجرای این برنامه ها کنار برود. اغلب اوقات که والدین پول جلسات را می دهند، فرزندان قدرشناسانه در جلسات حاضر می شوند و خوب استفاده نمی کنند. اما در این طرح متربی با زحمت و تلاش خود پولی به دست می آورد و طبق قانون طرح موظف است که مبلغ فلان جلسه را بدهد و چون پول را داده سعی می کند بیشتر و بهتر استفاده کند.

وقتی متربی پول می دهد جدیت بیشتری به خرج می دهد؛ وقتی مربی پول می گیرد هم در پیگیری مسائل تربیتی جدی تر می شود.



۵. مربی شایسته این طرح کسی است که علاوه بر ملاک های اخلاقی و اعتقادی، در خیر و شر همراه برنامه باشد. مثلاً اگر مربی پول داشت برای تدریس و حتی جلسات پول می گیرد. ولی اگر به فرض طی اتفاق حساب نشده ای محصول مزرعه از بین رفت و طرح دچار مشکل مالی شد لازم است تعهد اخلاقی نسبت به تداوم برنامه داشته باشد.

مربی برای مسائل تربیتی و آموزشی پول می گیرد اما این مسئله سبب کوچک شدن مربی و طرح کوشش نزد مربی نیست چون مربی تمام دارائی خود را مدیون طرح است.



۶. وقتی مشکل مالی مربی را حل کردیم می توانیم هزینه جلسات، اردو، تفریح و حتی میز و نیمکت و جارو و سطل و ماژیک و ... را واقعی حساب کنیم.



۷. اگر مربی هزینه و مخارج خود را بدهد نسبت به حفظ اموال حریص تر و مسئولیت پذیرتر می شود. هدف طرح همین تعالی تربیتی است حتی اگر بعد از انتهای طرح اموالی که خریده را با خود ببرد!



۸. مربی موظف است در همه کلاس ها و برنامه ها شرکت کند و غیبت باید با هماهنگی قبلی و در نگاه سخت گیرانه موجه باشد. یکی از جلسات هفته با حضور متربیان و والدین انجام می شود.



۹. ایجاد شغل پایه برای افراد طرح کوشش ضروری است. و اگر نتوانیم شغلی طراحی کنیم طرح کوششی وجود ندارد. شغل پیشنهادی با توجه به مکان و امکانات قابل تغییر است. مثلاً در منطقه شهری پیشنهاد می شود گل های زینتی و پرورش قارچ یا طیور در دستور قرار گیرد. منتهی در مناطقی که دسترسی هست حتی می توان قطعه های زمین برای کشاورزی هم داد. در منطقه ای که برای شروع اجرای طرح در نظر گرفتیم می خواهیم با پرورش مرغ محلی، بلدرچین، بوقلمون، غاز و ... شروع کنیم. مربی در مسائل اقتصادی می تواند از کارشناسان طرح یا افراد خبره سوال کند و برای بدست آوردن سود بیشتر تصمیم بگیرد.



۱۰. یکی از دوستان پیشنهاد داد برای پرهیز از آلودگی فضولات مرغ، سراغ کسب های دیگر برویم؛ از جمله مغازه داری! این پیشنهاد ایرادهایی دارد؛ از جمله: مغازه داری فعالیت تولیدی نیست. بازار مغازه داری در محله ها اشباع شده و نوجوان توان رقابت با مغازه های اصلی محلات را ندارند. مغازه شغل پاره وقت نیست، تمام وقت است!

درباره آلودگی پرورش طیور می پرسیم: چطور اهل روستا با این مشکل رو به رو نمی شوند؟ خصوصاً وقتی تولید ارگانیک باشد که به مراتب خطر کمتری دارد. از طرفی با واکسن می توان خطرات را باز کمتر کرد.

پرورش قارچ نسبت به پرورش طیور سالمتر است و احتیاج به زمین کمتری دارد.





۱۱. ما می توانستیم مربی را برای کار به شرکت در بازار و کارگاهها و ... تشویق کنیم و خود را به زحمت اجرای چنین طرح عریض و طویلی نیفکنیم ولی این ایده ایرادهای زیادی داشت و به کلی ما را از مزایای فرهنگی، تربیتی و اقتصادی این طرح دور می کرد. توضیح:

۱. ۸۰ درصد نوجوانان به دلیل تامین توسط خانواده تن به کار بعد از مدرسه نمی دهند.

۲. ۲۰ درصد به جستجوی کار پاره وقت می پردازند.

۳. و مگر چند درصد از ۲۰ درصد کار پیدا می کنند؟

۴. و آیا کار پیدا شده به لحاظ تربیتی قابل توصیه است؟

این در حالی است که طرح پیشنهادی هیچ یک از این ایرادها را ندارد.

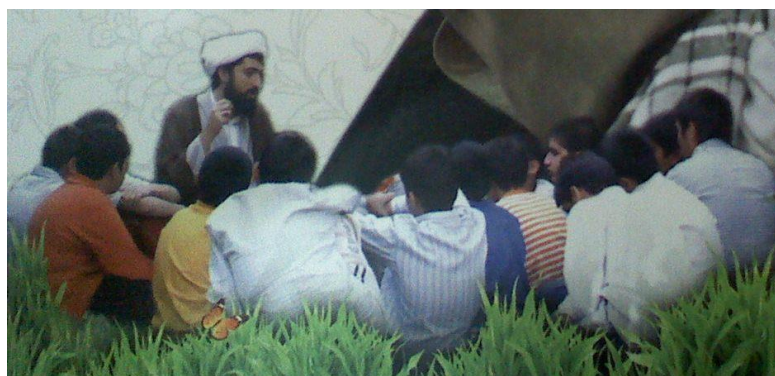


۱۲. جلسات و کلاس ها بخش اصلی طرح هستند. مربی موظف است در تمام جلسات و کلاس ها شرکت کند. مگر اینکه مسئول طرح تشخیص دهد که مربی بی نیاز از شرکت است.

۱۳. جلسات شامل کلاس های تقویتی ریاضی، انگلیسی و معارف دینی است؛ یک جلسه ویژه خانواده شرکت کنندگان طرح؛ به علاوه استخر هفتگی و اردوی ماهانه.



۱۴. ثبت نامی های طرح لازم است که همگی در یک پایه مشغول تحصیل باشند (نه لزوماً یک کلاس و مدرسه). این قانون به راحتی اجرای برنامه کمک بسیاری می کند. چون اگر متربی ها از دو مقطع باشند ناچاریم برای کلاس های تقویتی دو مربی داشته باشیم اما اگر همه از یک پایه باشند فقط یک کلاس ریاضی و انگلیسی و ... تشکیل می شود.  
اگر متربی ها کلاس هفتمی باشند تا یکسال از جلسات تربیتی، کلاس های کمک آموزشی و تفریحی بهره مند می شوند.



۱۵. مجریان طرح نسبت به ورودی های سال قبل که امسال هشتمی شده اند دو راه پیش رو دارند: برنامه ای نداشته باشند و مجدداً طرح را برای هفتمی ها تکرار کنند. یا اینکه زمینه تجربه شغل جدید را فراهم کنند و برنامه های درسی و تربیتی را برای هشتمی ها ادامه دهند. و به همین ترتیب تا پایان دیپلم برای ورودی های اول برنامه ریزی کنند و مشاغل را توسعه دهند.



۱۶. افق ما این است که یک مدرسه با این ایده راه اندازی کنیم. تا در آغاز سال از کلاس هفتم ورودی بگیریم و هر سال متریبان را با یک شغل آشنا کند و خروجی طرح همزمان با اخذ دیپلم باشد. یعنی برای هر متریبی دوره ۵ ساله در نظر گرفته می شود و هر سال متریبی با یک فعالیت تولیدی آشنا می شود.



و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین